

وہابیہ و ترور و خشونت و کشتار مسلمین

وهاپیان و ترور و خشونت و کشتار مسلمین

وهاپیان در طول تاریخ ننگین خود، مرتکب اعمال و جنایات فراوانی شده اند که در این مقاله برخی از این جنایات طرفداران محمد بن عبدالوهاب مورد بررسی قرار می گیرد.

فتنه گری، خشونت کتک زدن، شهادت دروغ، آتش زدن مساجد و خانه ها، غارت اموال مسلمین، قتل ترور با بدترین شویه های ممکن نسبت به مسلمانان و ساسی ملذاهب اهل سنت اساسی ترین و زشت ترین خصوصیت رفتاری وهابیت است. وهابیان با صراحت و ستاخی تمام مسلمانی را که از آنان پیروی نکنند به هبانه های مختلف تکفیر نموده، خون و اموالشان را مباح دانسته و به قتل عام مسلمانان می پرداختند.^[1] درباره جنایات، کشتارها و خشونت های انجام گرفته و توسط طایفه امویان و مروانیان مطالب زیادی توسط نویسندگان اسلامی نوشته شده است. به دلیل آشنا بودن عموم مسلمانان با جنایات امویان و مروانیان و به خاطر رعایت اختصار، جنایات، ترورها و خوشنیت های انجام گرفته توسط شره ملعونه امویان، از ذکر آن خودداری می کنیم و برای اثباتی یروی حنابل و وهابیت از تفکر امویان، به نقل نمونه های دیگری از ترورها و کشتارها در طول تاریخ اسلام توسط این ف رقه می پردازیم.

نمونه هایی از ترور و خشونت پیروان احمد بن حنبل

با مراجعه به تاریخ اسلام و ریشه یابی فتنه و اغتشاشاتی که در شهرهای مختلف کشور های اسلامیالاص بغداد اتفاق افتاده است، دست های پنهاغن و اشکار سلفی و ها و هابیت را در آن فتنه هیا می توان مشاهده کرد. مورخان مشهور عامه نی سلفیان و وهابیت را محرک اصلی و صحنه گردانان اغتشاش و تفنها معرفی کرده اند.

1. کشتار اهل سنت توسط حنابل

در سال 317 هجری قمری میان پیروان ابوبکر مروزی حنبلی و سیار هامة به خاطر تفسیر آیه شریفه « عسی ان یبعثحک ربک مقاما مموذا»^[2] فته ای عظیم در بغداد رخ داد، پیروان مروزی حنبلی در تفسیر آیه شریفه معتقد بودند خداوند در روز قیامت پیامبر کرامی اسلام را در کنار خود بر روی عرش می نشاند. سایر مسلمانان تفسیر پیروان احمد بن حنبل را نپذیرفته و آن را باعثتسیم و نقص خداوند دانستند. اختلاف نظر در تفسیر آیه شریف، سب بروز فتنه و کشته شدن عده زادی از مسلمانان توسط حنابل شد.^[3]

2. درگیری شدیدی حنابل با اهل سنت

در سال 323 هجری قمری نابل در بغداد از تاوان و موقعیت و یژه ای برخوردار شده و با بهانه های واهقی به حریم خصوصی مردم تجاوز می کردند. به خانه های مردم یورش برده، ظروف شراب را نابود می کردند. آوازه خوانان را کتک می زدند و آلات غنا را می شکستند. رفت و آمد با زان و کودکان را در کوچه ها و بازار ها زیر نظر داشتند. اگر مردی با زنی شماده می شد مورد بازخواست و پرس و جو قرار می گرفت و در صورت امتناع از پاسخگویی، شدیداً مورد ضرو شتم قرار گرفته و بازداشت می شد علیه ازو شهادت به فحشا می دادند. بر اثر رفتار خش و خودسرانه حناله، بغداد به هرج و مرج کشیه شده بود. رئیس پلیس بغداد باری برگرداندن

آرامش و امنیت به شهرت تجمع دو نفری حنبله را نیز ممنوع اعلام کرده و آنان را از بحثها مذهبی برحذر داشت. اقدامات رئیس پلیس برای بازگردان آراشم به بغداد اثری نداشت زیرا حنبله از نابینا یانی که غالبا در مساجد بودند، کمک می گرفتند و پیروان شافعی را با عصاهای خوند تاحد مرگ می زدند. از طرف رای بالهل لیفه عباسی نامه شدید اللحنی در مذمت پیروان احمد بن حنبل و اعمال و اعتقاد آنها در بغداد منتشر شد که مضمون آن چنین بود: شما حنبله گمان می کنید صورتهای قبیح و بدمنظرتان شبیه خداوند و قیافه های پست و زشتتان ظمی پروردگار تست! و معتقدید خداوند عزوجل دست، انگشت و پا دارد. نعلین او از طلاست و موهای سر او پر پشت است واز آسمان ها به زمین می آید. خداوند از آنچه که اظالمان و منکرین حنبله به او نسبت می دهند. پاک و منزّه است. شما حنابل بزرگان و پیشوایان را مورد طعن و اهانت قرا داده و به پیروان و شیعیان آل محمد نسبت کفر و گرمراهی می دیهید و از مسلمانان می خوایده که زا بدعت های اشکار شما در دین و از مذهب فاسد و ردلتان پیروی و تبعیت کنند در حالیکه هیچ دلیل و شاهی از قرآن بر تایتید آن ندارید. زیارت قبور پیشویان دین را در و اکار کرده و زائرانرا تمه به بدعت گذاری می کنید در حالیکه خود، به زیارت قبر افاردی که هیچ ریشه و نسبی نداشته و به پیامبر انتساب ندارد، رفته ومعجزات پیامبران و کرامات اولیا الله را به صاحب قبر نسبت داده و مردم را مامور به زیارت آن می کنید. خلیفه عباسی با منکر و پست خواندن افکار و عقاید پیروان احمد بن حنبل، سوگند یاد کرده و حنبله را به ضرب و جرح، قتل عام، تبعید و آتش زدن منازل و محل کسب و کارشان تهدید کرد.^[4]

نکته قبایل ذکر این که رهبری حنبله را در این دوران، یکی از علمای حنبله به نام حسن بن علی بن حلف بر بهاری بر عهده داشت و تمامی این فتنه ها به رهبری او به وقوع پیوست. وی تحت تعقیب حکومت قرار گرفته و مخفی شد و در سال 329 هجری قمری در مخفی گاه خد از دنیا رفت.

3. درگیری حنبله با شافعی ها

در سال 447 هجری قمری در بغداد، میان حنبله و افعی ها ب خاطر مسال دینی فته دیگری اتفاق افتاد. سر دسته این فتنه جوئی ابوعلی فرا و ابن التمیمی دو تن از بزرگان حنبلی بودند. عده زیادی از هواداران این دو نیز وارد صحنه شده و با دیگر مسلمانان درگیر شدند. پیروان احمد بن حنبل با حمله به مساجد، از بلند خواندن بسم الله الرحمن الرحیم» در نماها و قنوت در نماز صبح، جلوگیری می کردند. گروهی از حنبله با حمله به مسجد باب الشعیر بغداد، امام جاعت آن را از بلند خواندن « بسم الله الرحمن الرحیم» منع کردند. امام جماعت مجد قرانی را از جیب درآورده و خطاب به پیروان احمد بن حنبل گفت: بسم الله الرحمن الرحیم را از قرآن پاک کنید تا ما نیز آن را نخوانیم.^[5]

4. حمله حنبله به بازار بغداد و کشتار مردم

در سال 469 هجری قمری پس از سخنرانی ابونصر قشسیری در مدرسه نظامیه بغداد، پیروان احمد بن حنبل به بازار مدرسه نظامیه حمله کردند و عده ای را به قتل رساندند. پس ا این ماجرا حوادث تلخی میان پیروان احمد بن حنبل و دیگر مسلمانان به وقوع پیوست.^[6]

5. درگیری حنبله با اهل سنت

در سال 475 هجری قمری ابوالقاسم بکری غربی وارد بغداد شد و از طر نظام المکل مورد توجه و احترام واقع شد. وی در مدرسه نظامیه بغداد به نقد افکار و عقاید پیروان احمد بن حنبل پرداخت. پیروان احمد بن حب نقد عقاشان را تحمل نکردند و هنگامی که ابولقاسم بکری قصد رفتن به منزل قاضی القضا ابو عبدالله دامغان را داشت، به مشاجره با پیروان ابوالقاسم بکری پرداختند. این مشاجره منجر به شعه ور شدن آتش فته دیگری میان حنبله و سایر مسلمانان

گردید و خانها هی بنی فرا در این فتنه خراب شد و از بین رفت.[7]

6. به آتش کشیدن مسجد توسط حنابله

نظام الملک مسعود ن علی شافعی وزیر خوارزم شاه، در مرو مسجدی برای شاعی ساخت که بر سجد احناف اشراق داشت. پیشوای حنابله اراذل و اوباش را جمع کرد و به مسجد شافعی ها حمله کردند و آن را به آتش کشیدند. خوارزم شاه از این ماجرا ناراحت شد و پیشوای حنابله و عامل اغتشاش را احضار کرد و آنان را ملزم به پرداخت ریمه مالی سنگینی نمود.[8]

جنایات محمد بن عبدالوهاب و پیروان او

خشونت و قتل و خون ریزی از سنت های وهابیان و یکی از مهمترین عوامل پیشرفت آنان می باشد. ممد بن عبدالوهاب نیز با پیروی از سل خود و با تکیه بر شعار لاعدل و لا سلم و لا رحمه و لا نسانیه و لا حیه و لا شی ابدالا و الوهابیهوا السیف، با کشتار مسلمانان و غارت اموال ان و تقسیم غنام به دست گاده از سرزمین های اسلامی میان وهابیها، تانست پیروانی برای خود جمع کرده و تفکرات ابن تیمیه را احیا کند. وی در طول حیات و زن گی ود، مرتکب جنایات زیادی شد. نمونههایی از این جنایات و شار مسلمانان و غارت اوال آنان توسط محمد بن عبدالوهاب و پیروان او را ذکر میکنیم.

1. جنایات وهابی ها در عیینه

محمد بن عبدالوهاب و پیروان او، عثمان بن معمر حاکم عیینه را متهم به شرک کردن و وی را در سال 1163 هجری قمری، هنگام ادای نماز جمعه، ترور کردند و به قتل رساندند. لشکر سعودی، وهابی در سال 1163 هجری قمری به دستور محمد بن سعود و محمد بن عبدالوهاب به شهر عیینه یورش برد و ان را تخریب کرد. وهابی ها هنگامی که وارد شهر شدند، تمام ساختمان های شهر را ویران ساختند. چاه آب پر کردند. در تان را آتش زد و به ناموس مسلمانان تجاوز کردند. شکم های زنان حامله را دریدند و دستان کودکان بی گناه را بریدن و تمامی زنان و کودکان را در آتش سوزاندند. چهارپایان را به سرقت بردند و هر آنچه در خانه بود، به یغما بردند و تمامی مردان شهر را به قتل رساندند. شهر عیینه از سال 1163 هجری قمری که مورد هجوم وهابیان قرار گرفت، به امروز به صورت یک شهر مخروبه است. محمد بن عبدالوهاب ماجرای تصرخ ملخ ها توسط حاک عیینه را گناه نابخشودنی تمامی اهالی عیینه پنداشته و تمامی جنایات وهابیان در این شهر ا غضب خداوند بر شهر عیینه و اهل آن به شمار آورده است.[9]

2. جنایات وهابی ها در احساء

در پاییز 1793 میلادی ققوای سعودی وهابی در تهاجم به احساء و اشغال آن نیز مرتکب جنایت تاددی شدند. نیورهای وهابی در مسیر راه، اموال مسلمانان را غارت کردند و هرکس قصد مقاومت در مقا آنرا داشت، با بی رحمی تمام کشته می شد. نخلستان ها نیز از تهاجم وهابیان در امام نماند و به طور نابود شد. ابن بشر درباره حمله مجدد وهابیان به احساء در سال 1796 میلادی و جنایات آنان می نویسد: ب اثر تیر اندازی وهابی ها بسیرا از زنان حامله سقط جنین کردند. بعد از اشغال احساء، امیر نجد و ارد شهرد شد و در طول اقامت ند ماهه خود در احساء، هر کسی را که اراده می کرد به قتل می رساند. برخی از احساء اراج کرد وعده ای را به زندن انداخت. اموال زیادی از اهالی احساء گرفت. بسیاری از خانه ها و محله ها را تخریب و اهالی احساء را مجبو به پرداخت جرائم و مالیات های سنگینی کرد.[10]

3. جنایات وهابی ها در مکه مکرمه و مدینه منوره

در اواخر سال 1217 هجری قمری مصادف با ماه حرام، وهابی ها با آماده کردن سپاه مجهزی

به سمت مکه مکرمه حرکت کردند. خبر توطئه و تهاجم وهابیان به مکه مکرمه در ایام حجین حجاج و زائران بیت الله الحرام منتشر شد. شریف غالب^[11] از سلطان بن سعید ام مسقط و سران و امرای مصر و ام که در آن سال بهزیارت انه خدا آمده بودند، در خواست کمک و مقابله با وهابین را کرد اما هی کس او را در جهد با وهابیان یاری نکرد. شریف غالب نیز همراه عده ای از طرفداران و پیروان خد برای در امام ماندن از جنایات وهای ها بار برداشت خزائن و ذخایر مالی، به جده پناه برد. بسیاری از اهالی مکه مکرمه نیز به جده رار کردند. وهابی ها در دهم محرم 1218 هجری قمری بدون هیچ گونه مقاومتی از طرف مردم و مداعان شهر وارد مکه مکرمه شدند و جنایت و اعلشت و ننگین خود در شهر طائف را در مکه مکرمه نیز تکرار کردند.^[12] سعود بن عبدالعزيز در سال 1218 هجری قمری هنگام تسلط بر مکه مکرمه، بسیار از دانشمندان اهل سنت را به خاطر مهالت با عقاید وهابیان، به قتل رساند و بسیار از اعیان و اشراف را نیز بدن هیچ اتهامی به دار اویخت. وهابیان با تسلط بر مکه مکرمه، علمای مکه را به یادگیری افکار محمد بن عبدالوهاب و کتاب های وی مجبور کردند. مسلمانان سیار کشور هیا اسلامی را از انجام حج و عمره منع کردند و ارتباط مک مکرمه و مدین منوره با سایر مناطق را تح کنترل قرار دادند و از رسیدن صدقات و اسباب تجرات به این دو شهر جلوگیری کردند.^[13] هتک حرمت پیامبر گرامی اسلام، حضرت خدیجه و صحابه بزرگوار پیامبرای اسلام و شخصیت های بزرگ صدر اسلام، بزرگترین جنایت وهابیان پس از سلط بر مکه مکرمه بود. وهابیت با تخریب محل تولد پیامبر گرامی اسلام مکه مکرمه و ویران کردن گنبد و بارگاه قبر شریف حضرت خدیجه کبری و سایر صحابه و شخصیت ها بزرگ اسلام و از بین بردن تمامی آثار به جا مانده از صدر اسلام، دشمنی خود با اسلام و پیامب را نشان داد.^[14] وهابی ها بلا استاده از ضع دولت عثمان، در اواخر ذیقعه 1220 هجری قمری به مینه منوره نیز حمله کرد و جنایات را که در طائف و مکه مکرمه مرتکب شده بودن، در مدینه منوره نیز انجام دادند. آنان پس از تصرف مده منوره، اموال و اشیا رانهای موجد در حرم پیابر ارم را نیز غارت نمودند. =هار صندوق مملو از جواهرات مرصع به الما و یاقوت گران بها، چهار شمعدان زمردین که به جای شمع قطعات الماس شب نما و درخشنده و در آن ها قرا داش صد قبضه شمشیر با غلافهای طلا و و مرصع ب الماس و یاقوت با دسته ای زمرد و یشم، بخشی از اوال غارت شده تسوسط وهابیت در مدینه منوره بود. وهابیان از ورود حجاج شامی و مصری ب مکه کم جلوگیری نمودند و مردم را مجبور به پذیرش و تبعیت از عقاید وهابین کردند. گنبدها و بارگاه ای باقی مانده بر روی قبور بزرگان را نیز تخریب کردند.^[15] وهابی ها در سال های 1342 و 1343 هجری قمری نیز بر مکه مکرمه تسلط پیدا کرد و باعث به وجود آمدن هرج و مرج در این شهر شدند. ملک حسین براینجات مکه از دست وهابی ها، از انگلیسی ها تقاضا کمک کدر اما دولت انگلیس به بهانه عدم دخالت در مازعات مذهبی، هیچ اقدامی انجام نداد. پس از احراج ملک حسین و رزندش از مکه مکرمه، وهابی ها وارد کعه شدند و خانه ملک حسین را غارت و اموال و دارائی ها او را مصادره کردند. آنان پس از تسلط به ر مکه، اهالی مکه را مجبور کرد تا نماز های خود را به جاعت و در پنج نوبت ببخوانند. استعمال دخانیات را ممنوع کرد و از برگزاری مراسم جشن و سرور در ساروز تولد پیامبر اکرم جلوگیری نمودن و زیارت قبور را نیز ممنوع کرد. هر کس ب ر خلاف دسترات آنا عمل می کرد، جریمه شده و به زنان نمحکوم می شد. وهابی ها پس از استقرار حکومت عبدالعزی و تسلط بر منطقه خجار، آثرا اسلام باقی مانده در مکه مکرمه، مدیه منوره و جده را تخریب نمودند. در مکه مکرمه، گنبدهای ساخته شده بر روی قبرو عبدالمطلب، ابوطالب، و حضرت خدیجه را ترب کرد و محل تولد پیابر اکرم و فاطه زهار را نیز ویران نمود. وهابی ها در سال 1344 هجری قمری هنگام محاصره مدینه منوره، مسجد حضرت حمزه و قبر مطهر او

راتخریب و با خاک یکسان نمودند. وهابیان پس از ورد به شهر جده، گنبدی را که بر روی قبر حضرت حوا ساخته شده بود، تخریب کردند. تخریب گنبدهای ساخته شده بر روی قبور بزرگان و زیارت گاه ها و مکان های مقدس توسط وهابی ها در تمامی شهر های ازعان شد و هیچ قبری از تجاوز وهابی ها سالم نماند. علی ارورید می نویسد: بقیع مقبره الی مدینه در زمان رسول خدا و بعد از آن حضرت بود. عباس (عموی پیامبر) و خلیفه (سوم) عثمان و همسران پیامبر و جمع کثیری از صحابه و تابعین و هار تن از اهل بیت پیامبر اکرم امام حسن، امام سجاد، امام باقر و امام صادق، در آنجا دفن گردیده اند. شیعیان بر روی قبرو مبارک آنان ضریح باشکوهی مانند ضیخ هیا ساخته شده و در عراق و ایان ساخته بودند.^[16] قبور بقیع در چهار ماه اول کوت عبدالعزیز ب جزیره العرب، سالم و آباد بودند اما از آن جا گکجه اب سعود دانم کار خود را همراهی با وهابیها می دید و بدون آنان نمی توانس مشروعیت خود را حف کند به ناجار عبدالله بن بلیهد یکی از عتلمیا نجد را جتا تخریب قبور بقیع از مکه به مدینه فرستاد. وی نز علمیا مدینه راجمع کرد و سوالات از پیش طراخچی شده را مطر کرد و پرسید: علمای مدینه منوره درباره ساختن بنا بر قبور و مسجد قرار ددن آن چه میگویند؟ آیا جایز است یا نه؟ اگر جیار نیتسو به دشت در اسلام ممنوع است، آیا تخریب و ویران کردن و جلوگیر از نماز خواد در کنارآن، لازم و واجب است یا نه؟ یا سات گنبد و ساختنمن بر ریو قبور در زمین وقفی ملانند بقیع، غصب حقوق دیگران جلوگیری از استفاده از بخی از آن نیست؟ آنچه راک جهال در کنار این ضرایف انجام می دهند، از قییل مساح و ضرایح و خواندن صاحبان قبور به همانخداوود تقرب جستن با نذر و ذبح و رونشدن چرا و بروی عقبو، جیار است یا خیر گریه، دعا و طواف درو خانه پیامبر اکرم، بوسیدن و مسح کردن خانه آن حضرت آنچهدر مسجد آن حضرت انجام می گیرد، مشروع است یا خیر؟ نحوه طراخی سوالات، علمای مدیه را مجبور به دادن جخوابی کرد که خوش آیند وهابیان بد. آنان با استناد به برخی احادث و با چشم پوشی از سایر ادله ساختن بارگاه و گنبد بر روی قبور را ممنوع اعلام دند و تخریب آن را لازم دانستند. نماز خوادن در کنار قبور سمح کردن ضریح ه او ذبح گرن و نرد گرکدن به قصد تقری و را نیز حرام و ممنوع اعلام کردند. رو گردن به سمت حجره پیامبر اکرم هنگام دعا کردن و چرخیدن دور انه آن حضرت و مسح کردن و بوسیدن حجره نیز را ممنوع دانستند.^[17] وهابی ها پس از صدور این فتوا، قبو ائمه بقیع، قبر عباس عموی پیامبر، قبر ابراهیم فرزند پیامبر، قبر قاطمه بنت اسد مادر حضرت علی، قبور همسران رسول الله، قبر ام البنین مادر حضرت عباس، قبه و گنبد ساختهشد بر روی قبر عبدالله پردر پیامبر قب اسماعی فرزند اما صادق و تمامی قبور صحابه و برگان و گنبد های ساخته شده بر روی آن ها رو کان هایی زیارتی را تخریب کردند. ضریح فولاید امه بقیع که در اصفهان ساخته و به مدینه حمل شده بود، توس وهابیان راز روی قبور اما حسن مجتبی، اما سجاد، امام باقر، امام صادق عباس عموی پیامبرو فاطمه بنت اسد برداشته شد. زادگاه امام خحسن و اما حسن ودر مدینه منوره قبور شهادی بدر و بیت الاحزان فاطمه زهار نیز توسط وهابی ویران شد.^[18] یکی دیگر از جنلا وهابیان در مکه کرمه و مدینه منوره، آتش زدن کتابخانه ها بوزیژ] کاختنف المکبته العربیی بود. در این کاباختاه بیش از شتص ت هزار عنوان کتاب گرانقرد. کم نظیر و بیش از چهل هزار نسته خطی منحصر به فرد، نگهداری می شد. در میان این آثار برخی از آثار خطی دوران جاهلیت، یهدیا، کفار قریش و همچنین آثار خطی خحضرت علی، ابوبکر، عمر، خالد بن ولید، طارق بن زیا د وبرخی از صحابه پیامبر اکرم و قرآن مجید به طر عبدالله بن سعود ینز وجود داشت. در همین کتابخانه انواع سالخ های رسول گرامی اسلام وبتهایی که هنگام ظهور اسلام مورد پرستش بود مانند لات عزی، مناه وهبل موجود بود. این کتابخانه به بهانه وجو کفریات در آن، توسط وهابیان به آتش کشیده و به خاکسرت تبدیل

شد.^[19] انتشار جنایات وهابی ها و توهین و جسارت آنها به پیامبر اکرم و صحابه آن حضرت در بلا اسلامی، تمامی مسلمندان خصوصاً شیعیان را عزادار و مامت زده کرد و باعث اعتراض مسلمانان جهان شد. علمای شیعه پس از شنیدن این خبر، عزای عمومی اعلام کردند و در های خدر تعطیل نمودند. / بازاریان مغاه های خود را بستند و اجتماعات عظیمی تشکیل شد. تلگراف هایی به علمای جهان اسلام مخابره و اعمال آل سعد و وهابیان محکوم شد. نویسندگان مسلمان نیز با نوشتن مقالات و انتشار آن در روزنامه اعمال وهابی ها و آل سعود را افشا و محکوم کردند.

جریان بقیع و تخریب آن توسط وهابی ها که در هشتم شوال 1343 هجری قمری اتفاق افتاد، بیک ا بزرگترین جنایات وهبیان بود و باعث هتک حرمت ائمه اطهار و صحابه پیامبر اکرم شد و اعتراض شدید مسلمانان جهان را به دنبال داشت.

4. جنایات وهابی ها در طائف

در اواخر سال 1217 هجری قمری وهابیها منطقه حجاز را مورد تاخت و تاز قرار داده و ههنگامی که به طایفه رسیدند، شریف غالب^[20] را شکست داده و پس از تسلط بر طائف منزل وی را آتش زدند. شریف غالب نیز پس از شکست به مکه مکرمه فرار کرد. وهابیها پس از سه روز درگیری با مدافعان طائف ههنگامی که با قهر و غلبه وارد شهر شدند، تمامی مردان را قتل عام کرده زنان و کودکان مسلمانان را به اسارت گرفته، گنبد و بارگاه قبر عبدالله بن عباس صابی برگ پیامبر را نیز ویران کردند.^[21] وهابی ها به جستجوی منازل پرداخته و کسای را که در خانه مخفی شده و یا در مساجد پناه گرفته بودن، به قتل رسانده و اموال مسلمانان را به غارت بردند. آنان هر روز اوال مردم را به بیرون شهر منتقل کرده و همه را در یک جا جمع کردند. اموال عارب شده ماند کوه هایی در بیرون هر لب توجه کی کرد. وهابی ها خمس اموال تاراج شده را به امر سعود دادن و بقیه را میان خود تقسیم کردند. قرآن ها و کتاب های حدی، فقه و حو را در کوچه و بازار پخش کردند.^[22] میل صدقی زهاوی دربار حمله وهابیان به طاف می نویسد: یکی از زشت رپترین کارهای وهابیا در سال 1217 هجری قمری، کشتار مردم طائف است که بر صغیر و کبیر رحم نکردند. کودک شیرخار را در آغوش مادر سر بریدند. جمعی را که مشغول فراگرفته قرآن بودند، کشتند و گروهی را که در مسجد مشغول نماز بودند، به قتل رساندند و کاب ها را که در میان آن ها تعدادی قرآن و نسخه های صحیح باری و صحیح مسلم و دیگر کتاب های حدیثی و فقهی نیز بوتاد در کوچه و بازار افکنده و آن ها را پایمال کردند.^[23] طائف بار دیگر در سال 1342 هجری قمری مورد هجوم وحشیانه وهابی ها قرار گرفت. وهابیان با تسلط بر طائف، ان بار نری همانند گذشته به کشتار مردان، زنان و کودکان پرداختند. سفاکان وهابی در این یورش حدود دو هزار نفر از اهالی طاف را به قتل رساندند و اموال آن را به غارت بردند. ههنگامی که جنایات وهابی را برای عبدالعزیز بن سعود بازگو کردند، وی از چنین فجایعی ابراز ساف نکرد و فقط به بیان جله معروف پیامبر اکرم در مورد خالد بن ولید که فرموده بودند: «اللهم انی ابرا الیک ما صنع خالد، اکتفا کرد.^[24]

5. محاصره نجف اشرف

نجف اشرف یکی از شهرهای شیعه نشین عراق، بارها مورثها و حمل وهابیان قرار گرفت اما به دلایل مختلف، وهابیان موفق به تصرف آن شهر نشدند. در سال 1214 هجری قمری گروهی از وهابی ها به نجف ارف حمله کردن اما در درگیری با عرب خزاعل سیصد نفر از وهابیان کشت شد و موق به تصرف نجف اشرف نشدند.^[25] در سال 1215 هجری قمری نیز گروهی از وهابیها برای انهدام مرقد مطهر حضرت علی عزام نجف اشرف شدند اما ادر مسیر با عده ای از عشا عرب شیع در یر شدند و شکست خوردند.^[26] در سال 1216 هجری قمری نیز وهابی ها

پس از کشتار بی رحمانه در کربلا و هتک حرمت حرم اسام حسین راهی نجف اشرف شدد ولی به دلیل آگاهی مردم از جنایات آنان در کربلا و آمادگی مدافعان برای دفاع از شهر، وهابی ها موفق به تصرف نجف اشرف نشدند.^[27] وهابی ها در شب نهم صر 1221 هجری قمری، قبل از روشن شدن هوا، هنگامی که مردم در خاب بودند، بار دیگر به شه نجف حمله کردند. آن با استفاده از غفلت مردم، بالای دیوهای شهر فتند ونجف اشرف ارا محاصره خود در آورد اما به برکت وجود قبر شریف حضرت علی و کرامات آن حضرت،^[28] ، بسیرای از وهابی ها به قتل رسیدند و بقیه نیز شکستس ورده و متضاه محاصره شهر اتر ک کردند و گریختند.^[29] درسال های 1220 تا 1222 هجری قمری نجف اشرف بارها مورد تهاجم وهابی ها قرا گرفت اما به دلیل امدهگی و بسیج عمومی مردم برای دفاع از شهر، هنگامی که به نجف اشرف می رسیدند، با دروازه های بسته شهر موجه شده و بدون کسب موفقیت ، مجبور به عقب نشینی می شدند. علمی بزرگی همچون آیه الهه شیخ جعفر کاشف الغطا با همراهی مردم و حضرو در کنار آنان و به عهده گرفتن فرماندهی مدافعین ، نقش مهمی در مم موفقیت و شکست وهابی ها ایفا کردند.^[30] نجف اشرف بار دیگر در جمادی الآخر 1222 هجری قمری مورد هجوم وحشیانه وهابیها قرر گرفت. لشکر وهابی ها که متشک از بیست هزار نظامی بود، ه قصد تصرف و انهدامش شره، به نجف اشرف حمله کرد اما با هوشیاری و آمادگی مدافعا شهر نجف، این بار نزی موق به تصرف شهد نشدند و شکست حورده مجبور به ترک ماصره نجف و حرکت به سوی حل و کربلا شدند. مدافعان حله و کربلا نیز با هوشیاری و مقاومت، اجازه تصرف ای دو شهر را نداند.^[31]

6. جنایات وهابی ها در کربلا

سعود بن عبدالعزیز در سال 1216 هجری یقمی با لشگری متشکل از اعراب نجد، به سمت عرق حرکت کرد. لشکر سعدی ، وهابی، کربال را محاصره کرده و پس از مدتی وارد شهر شدند. جایات و اعمال ننگین آنان د کربلا یلاذآور جایات امویان در کربلای 61 و فاجعه حره 63 هجر یقمری بود. وهابی ها نیز همانند سلفی خود پس ا تصرف کربلا، حرمت پیامبر اکرم و ذریه آ حضرت را حفظ نکردد و پس از کتشار مردم بی گناه، قبر شریف امام حسین را تخریب کردند و ضریخ مطهر آن حضرت را کنند و تمامی امال و اشا نفیس موجود در آ را به سرقت بردند.^[32] کوران سیر در وسف جنایات وهابی ها در کربال می وید: اهالی کربلا همانند سایر شهرهای شیعه نشین عراق به مناسبت عید غدیر خم برای برگزاری مراسم جشن و سرورف شهر ارتکر کرده و به نوجف اشرف رفته بودند. وهابی ها از غیب مردان و مدافعان شهر کربلا ساتفاده کرده و به شهر حمله کردند. سپاه 12 هزار نفری وهابی ها به مرادان ضعیف و سالخوره باقی مانه در شهر نیز رحم نکرده و تمامی آنان را به قتل رسانید.

وی آمار کشته هیا یک روز با سه هزار نفر دکر کرده و با غیر قابل توصیف خواندن غارت اموا مسلمانان، می نویسد: وهابی ها تمای گنج ها و اشای نفیس کربلا حتیکاشی های طلاکاری شده گنبد امام حسین را کنند و به غارتبردند. اموال غارت شده به حدی بود که دوپست شتر توان حمل آن ها را نداشت.^[33] سنت جونفیلی نویسنده انگلیسی درباره تهاجم وهابیها به کربلا می نویسد: سعود بن عبدالعزیز با لشگری ک توسط پدرش سازمان دهی و فرماندهی آن به وی واگذار شده بود، به کبلا حمله کرد. سپاه وهابی ها پس ا محاصره کوتاهی وارد شهر شد و ضری امام حسین را ویان نموده و جواهرات آن را غارت کردند. وهابی ها علامه بر جواهرات و اشیا نفیس ضریخ امام حسین تمای اشایگگران به و قیمتی کرلا را سرقت کرده و با خواد به جا بردند.^[34] جعفر اللیل ماجرا تهاج وهابی به کربلا و جنایات آنا را به نقل از ن دایره المعارف الاسلامیه» این گونه می نویسد: وهابی ها در سال 1217 هجری قمری هنگامی که اکثر

ساکنین شهر به زیارت قبر شریف حضرت علی در تجف اشر دفته بودندف با لشگر دوراه هزار نفری خود به فرماندهی سعود بن عبدالعزیز به کربلا حمله کردند و بسش از سه هزا نفر ا ساکنان آن را ر بریدند. خانه اه و بازارها و اشای قیمیت و ارزشمند حرم مطهر امام حسین را غلارت کردند. کاشی ها طلا را از روی دیوارا کردند و ضریح امام حسین ر انیز ویران کردند. برخی لشگر وهابی ها را متشکل از بیست هار نفر و تعداد کشته شده های شیعیان را نیز بیست هزار نفر و بنا به نقلی تعداد کشته ها پنج هزار نفر و مجروحین این یورش نیز هع هزار نفر کر شده است.^[35] آیه الله سید جواد عاملی درباره جنایات وهابیان در کربلا می نویسد: وهابیان در سال 1216 هجری قمری به کربلا حمله کردند. مردان و کودکان را به قتل رساندند و اموال مردم را به غارت بردند. وهابیها با جسارت به قبر شریف امام حسین و باررگاه مقدس آن حضرت، ستون ها و بناها را تخریب کردند.^[36] صندوق چوبی قبر شریف حبیب بن مظاهر نیز توسط وهابی ها شکسته شد و با چوب های آن در ایوان طرف قبله حرم، قهوه درست کردند.^[37] میرزا ابوطالب اصفهانی در سفر نامه خود می نویسد: هنگام برگشت از لندن و عبور از کربلا ئونجف، دیدم که قریب بیست و پنج هزار نفر و هابی ها وارد کربلا شدند وشعار « اقلو المشررکین و اذبحوا الکافرین» سر می دادند. آنان بیش از پنج هزارن فر را کشتند و زحمیها حساب نداشت. صحن مقدس امام حسین اب لاشه کشتگان پر و خون از بدن های سر بریده شده، روان بود. پس راز یازده ماه بار دیگر به کربلا رفتم، دیدم که مردم آن حادثه دل خراش را نقل می کنند و وگریه سر می دهند، به گونه ای که از شنیدن آن، موها ب رر اندام راست می شد.^[38] وهابی ها در سال 1223 هجری قمری، برای بار دوم به کربلا یورش بردند اما به دلیل هوشیاری و دفاع مدرم از شهر، موفق به تصرف کربلا نشدند. سید جواد عاملی تهاجم دیگری از وهابی ها به کربلا ی معلی و نجف اشرف را گزارش داده و می نوسد: در سال 1225 هجری قمری گروهی از وهابی ها نجف اشرف و کربلا را احاطه کرده و به راهزنی و غارت پرداختند. این گره به زائران قبر شریف امام حسین که در نیمه شعبان به زیارت قبر شریف آن حضرت آمده و در حال برگشتن به مناطق محل سکونت خود بودند، حمله کرده و صد و پنجاه نفر از زارین را که بیشتر آنا غیر عرب بودند، به قتل سانده و اموالشان را به صرقت بردند. عده ای از زائران قبر قشرف آن حضرت ینز از ترس وهابی ها در حله مانده و جرات آدمن به نجف اشرف را ندارند.^[39]

7. جنایات وهابیها در بصره و زبیر

وهابیان در دوران حکومت سعود بن عبدالعزیز (1218-1229 هجری قمری) به شهر های بصره و زبیر حمله کردند و با کشتار عموم مردم، اموال آنا را غارت کردند. وهابیان با پیروی از افکار باطل ابن تیمیه، تمامی قبه ها و بارگاه های موجود بر روی قبور به حصوص قبور طلحه و حسن (بصری) را تخریب کردند.^[40]

8. محاصره جده و کشتار اعراب

وهابیان پظ محاصر جده در سال 1219 هجری قمری و عدم موفقیت در تصرف جده، با دادن تلفات و کشته های زیاد، مجبور به عقب نشینی و ترک محاصره جده شدند. آنان در مسر رقب ر نشینیس خود طوایفی از اعراب اهل سنت را قتل عام کردند.^[41]

9. جنایات وهابی ها در منطقه حوران

سپاه سعودی، وهابی در سال 1223 هجری قمری^[42] به بلاد حوران از مناطق سوریه حمله کردند و جنایات دیگری را در پرونده سیاه خود به ثبت رسانیدند. آنان اموال مردم را به تاراج بردند. زمین های کشاورزی و محصولات آن را بهآتش کشیدند. مردان و ک ودکان بی گناه ره قتل رساندند. زنان مسلمانا را به اسارت گرفته و منازل مسلمانن را ویران نمودند.^[43] یورش به

شهرهای « ثادق»، خرج، دلم و، نعجان، ثرمدا، منفوحه، حرمه، رزیاض، وکشتن مدران، قطع کردن آنخل ها، تاتشر زدن مزارع و از بین بردن محصولات کشاورزی، غارت خانه ها و مغازه ها و به سرقت بردن جواهرات، شتر ها و گوسفنددن به غن نوان قغنیمت جنگی، بخش دیگری از صفحه سیاه جنایات وهابیان می باشد.

10. یورش به منطقه الفرع

در سال 1340 هجری قمری وهابیه با منقه الفرع [44] یورش بردند و پارچه ها و فرش های گران قیمت را غارت نمودند. عرب های منقه الفرع نیز به تعقیب مهاجمان پرداخته و با کشتن عده ای ا وهابیه، اموال ربوده شده خود را از پس گرفتند. [45]

11. کشتار حجاج یمنی

در سال 1341 هجری قمری، وهابی ها با حيله و نیرنگ، گروهی از حجاج یمنی را که مسلح بودند، خلع سالح گردند و بلا کشتن تمامی آنان، اموال و دارائی هایشان را به سرقت بردند. وهابی ها ابتدا به حجاج یمنی امان دادند و آنان را در مسر همراهی کردند اما هنگامی که به دامنه کوه رسیدند، بهباللای کوه رفته و حجتج یمنی را که در پایین کوه مستقر بودند، با پرتاب سن وشلیگ کلوه مرود حلمه قرار داند. در این یورش و تهاجم تمامی حجاج یمنی که حدود هزار نفر بدند، به تقل رسیدن وتنها دو نفر اب آنان نجات پیدا گکرده و ماجرا را گزارش ردادند. [46]

12. هجوم به شرق اردن

گروهی از وهابی ها در سال 1343 هجری قمری به اعراب منطه شرق اردن حمله کردند و در ام المعمد و نواحی آن بسیاری از مردم مسلمانا و بی گناه منطقه را به قتل رساند و اموالشان را تاراج کردند. اهالی منطقه به دفاع از خود پرداخته و با کشتن سیصد نفر ا وهابیان و وارد کن تلف اسنگنی وهابی را وارداد به عقب نشینی و فرار کردند. انگلیسی ها با در اختیار قرار ادن تجهیزات نظامی ونفرا ت پیاده نظام خود، وهابی ها را یاری کردند و آنان نیز مجددا به منطقه یورش بردن و به کشتار مدرم پرداختند.

گذر سال 1346 هجری قمری وهابیان دوباره با سپاهی متشکل از سی هزارن فر به ازدن حلمه کردن و قتل و غارت و خونریزی شدیسیدی به راه انداختند. [47]

13. قتل عام حجاج مصری در منی

در سال 1344 هجری قمری وهابیه برخی از اعمال حجاج مصری در منی را حرام دانسته و با یورش به آن تعدادی از حجاج را به قتل رساندند. [48]

14. کشتار حجاج ایرانی

عمال وهابی رژیم آل سعود در چهارم ذیحجه 1407 هجری قمری مسادف با نهم مرداد 1366 هجری شمسی هزاران نفر از حجا بیت الله الحرام را به جرم سر دادن فریاد برائت از مشرکین در مکه مکرمه به حاک و خون کشیده و با شعار اقلل المجوس،، اقلل المشرکین، دیگران را نیز به کشتن زائرین ایرانی تشوقی وترغیب می کردند. گیککی از شاهیدان عینی، این واقعه تلخ را یانچنین نقل می کند، با چشم خود دیدم که عودی ها کثیف بی شرمانه و بی رحمانه با عصای معلوین با دو دست محکم به صورت زنها می کوبیدند و نقش بر زمین می کردند. ای کاش به زدن تنها قانع بودند! وقتی خانمی بر روی زمین می غلطید نفر بعدی با هر وسیله ای در دست داشت به مغز نیمه جان او می گوید تا از دنیا برود. [49]

15. کتشار عزاران امام موسی کاظم

در بیست و پنجم رجب 1426 هجری قمری مصادف با شهادت امام موسی کاظم وهابین با پنخش غدهای مسموم در اطراف آحرم آن امام و با انجام انفاحجارهای متعدد در کاظمین بین

صفوف عزاران امام موسی کظام و تخریب پل الائمه باعث شهادت 1500 نفر از شیعیان عزاردار شدند.^[50]

16. جنایات های ابان وهابی در افغانستان

و در آخر سال 1372 شمسی گروهی وهابی به نام طالبان در افغانستان وارد صحنه نبرد شدند که ا سوی عربستان و آمریکا حمایت می شدند. در شهریور 1375 شمسی کابل را تصرف کردند و به کشتار مسلمانان شعی پرداختند. در هفدهم مرداد 1377 شمسی زنان و مردان و ک.ووکان را از شت بام ها به رگبار بسته و اهالی شهر مزار شریف را قتل عام کردند. سپس با هجوم به بیمارستان ها، بیماران شیعه را روی تخت ها به شهادت رساندند. در^[51]

17. وهابیت در انفجار در اهواز

در جریان دستگیری عوامل بمب گذاری ها پیاپی 1384 شمسی در اهواز، روشن شد که از مجموع 46 نفر دستگیر شده، 44 نفر دارای عقاد خوابیت هستند. بر اساس اطلاعات موثق، این عده اسز سوی اسرائیل، آمریکا و انگلیس حمایت می شدند و از عوامل وهابیان در ایران بودند.^[52]

18. انفجار بزرگ در مسجد تاریخی براثا

در عملیات انتحاری هجدهم فروردین 1385 شمسی در مسجد تاریخی براثای بغداد که توسط عوامل وهابی صورت گرفت، بیش از 69 نفر کشته و 130 نفر نیز زخمی شدند.^[53]

19. انفجار حرم عسکریین

بیتش و دوم فوریه 2006 میلادی امصادف با سوم اسفندماه 1386 شمسی، افجار دویست و پانزده کیلوگرم موا د منفجره، منجر به آسیب کلی مرقدا اما هادی و امام حسن عسکری شد. سیزدهم ژوئن 2007 میلادی همزمان با بیست و سوم خردادماه 1386 شمسی، انفجار مناره های عسکریین به دست وهابین، برگ دیگری اب جنایات وهابین تکفیری را رقم زد. حدود ساعت 9 صبح بر اثر وقوع چندین انفجار مهیب، دو مناره حرم عسکریین تخیب شد. در انفجار اول گلدسته سمت چپ دو در انفجار دوم گلدسه سمت راست حرم تخریب گردید. در این اقدام تروریست سقف سرداب غیبت حضرت ولی عصر عجل الله فی فرجه الشریف نیز به کلی فرو ریخت.^[54] یکی از آخرین جنایات وهابیان، هجده انفجار در مناطق مختلف شیعه نشین بغداد در یک روز و کشار صدها نفر از مردم بی گناه و به خاک و خون کشیدن ده ها دانشآموز ابتدایی است که در وز پنجشنبه بیست و ششم محرم 1433 هجری قمری مصادف با 1390/10/1 شمسی صورت گرفت. تکفیر و کشتن کسانی که به یگانگی خداود و سالت پیامبر گرامی اسلام شهادت داده اند بر خلاف سنت پیامبر اکرم و روایت رسیده از آن حضرت می باشد. محمد بن اسماعیل خاری از انس بن ماکل به نقل از پیامبر اسلام می نویسد: کسی که مانند ما نماز بخواند و به طرف قبله بایستد و از گوشت ذبح شده ما بخورد، مسلمان است و در پناه خداو رسول قرار دارد. عهد خدا را درباره اون نشکنید.^[55] بخاری دو روایت دیگر نیز به هیمن مضموم از نس بن ماکل نقل می کند.^[56]

مسلم بن حجاج نیشابوری نیز در بار « تحریم قتل الکافر بعد ان قال لا اله الا الله، روایات مختلفی را در مذمت کشتن کسانی که به یگانگی خداود شهادت می دهند، ذکر کرده است. مقداد بن اسود از پیامبر اکرم یم پرسد، ای رسول خدا! اگر کافری با من به جنگ پرداخت و یکیز ادستهایم را با شمیر قطع کرد و پس از آن اسلام آورد تکلیف من چیست؟ آا به جنگ ادامه دهم و او را به قتلبرسانم؟ پیامبر اکرم در جخواب می فرمایند: در این صورت حق کشتن او را نداری. مقادا از اسخ پیامبر عجب کرد و دورابه سوال خودرا تکراد کرد امام پیامب فرمودند: حق کشتن او لرا نداری و اگر بکشی، اودر حالیک همسلمان شده بود، کشته شده است و تو کافر

شده ای (یعنی تو یک مسلمان بی گناهی را عمدا کشتی‌هی و از اسلام خارج شده ای).^[57] اسمہ بن زید نیز می گوید: پیامبر اکرم ما ره به گنگ قبیله ای فرستاد. هنگام صبح به محل مورد نظر رسیدیم. مردی از افراد قبیله را عقیب کردم. از ترس کشته شدن گفت « لا اله الا الله، من اعتنا نکردن او او را با نیزه از پا درآوردم. پس از کشتن او، احساس کردم اکار حوبی نکرد لذا ماجرا را به پیامبر گزارش دادم. آن حضرت مرا سرزنش کرده و فرمود: چرا کسی را که به یگانگی خداوند شهادت بدیده بو، کشتی؟ عرش کردم ای رسول خدا! او بای حفظ جان خود به خاطر ترس از اسلحه، به یگانگی خدا شهادت داد. پیامبر فرمودند: مگر تو از قلب او باخبری؟ چرا قلب او را نشگافی تابدانی راست می گوید یا خیر؟ پیامبر این سخن را آن قدر تکرار کرد که من آرزو کردم ای کاش! امروز مسلمان شده‌بوم تا مرتکب چنین عملی نمی شدم.^[58]

عاقبت ظلم و جنایت

وهابی ها در سال 1234 هجری قمری بهای بخشی از اعمال خشن و غیر انسانی خود را پرداخت کردند. محمد علی پاشا لشگری را به رهبری فرزندش ابراهیم پاشا برای تصرف درعیه مرکز وهابی ها به جاز فرستاد. ابراهیم پاشا نیز با حمله به منطق تحت نفوذ وهابیان، بسیاری از آنان را به قتل رسانده و بهی ای را اینز به اسرات گرفت و تمامی مناطق تصرف شده توسط وهابیان را آزاد کرد و با مصادره کردن اموال خاندان آه سعود و محمد بن عبدالوهاب، غنائمن فراوانی به دست آورد. هنگامی ه سپاه ابراهیم پاشا به شقرا رسید، عبدالله بن سعود^[59] شبانه به درعیه گریخت. ابراهیم پاشا پس از پتانزده اه محاصره درعیه، عبدالله بن سعود را دسگیر کرد و به قاهره فرستاد. عبدالله بن سعود به عنوان اسیر در شهر گردانده شده و سپس به دار آویخته شد. ابراهیم پاشا پس از هفت ماه اقامت در درعیه، با ویران کردن شهر، درعیه را به شهر مردگان تبدیل کرد. بسیاری از سران آل سعود آل شیخ در جنگ درعیه به قتل رسیدند^[60] و دهی اینز پس از اسارت، به مصر تبعید شدند و اولین حکومت سعودی و، وهابی با شکست سنگینی مواجه شد.^[61] کلام رب کشورهای اسلامی و مسلمانا از شکست وهابیها اشهار خوشحالی کرده و به جشن ورور پرداختند. در قاهره جشن های باشکوهی برزرا گردید. مردم با شلیک گلولهیا توپ و آتش بازی حوشحلی خود را از شکست وهابیان ابراز می کردند. فتحعلی شاه قاجار پادشاه ایران نیز با نوشتن نامه ایزبیه محمد علی پاشا به خاطر سرکوب وهاب ها ار وی دردانی کرد.^[62]

پاورقی

[1] زینین دحلان، شافعی، الدرر علی الوهابیه، ص31 و32.

[2] سور هاسرا، آیه79.

[3] و فیها وقعتفتنعه عظیمه ببغداد بین اصحاب ابی بکر المروزی الحنبلی و بین غیرهم من العامه و دخل کثیر من الجند فیها و سبب ذلک ان اصحاب المروی قالو ا فی فتتفسیر قوله تعالی « عسی ان یبعثک ربک مقاما محمودا، هو ان الله سبحانه یقعد النبی معه علی العرش و قالت الطافه الخری، انما هو ا لشفاع، فوقت الفتنه و اقتتول، فقتل بینهم قتلی کثیره، ابن اثیر جزری، شایع، الکامل فی التاریخ، ج5، ص121، حوادث 317 هجری قری، ذکر عده حوادث.

[4] و قیها عظم امر الحنبل و قویت شوکت و صارو یکسبون من دور القواد و العامه و ان وجود نبیذا اراهو و ان وجود مغنیه ضربوها و کسرو آلیه الغنا و اعترضو ی البیع و اشرا و شی الرجال مع السنا و الصبیان فلذا راوا ذلک سالوه عن الذیمعه م هو، فاخبرهم و الا شرو حمله الی صاح الشرطه و شهدو تلی بافاحشه، فاهوا بغداد. فرکتب بدر الرشی و هو صاحب الشرطه عاشر جمادی الآره ونادی فی جانبی بغداد فی اصحاب ابی محم البربهاری الحنابله الا یجتمع منه

اثنان و لا يو هنو صاب الشره جمادى الخره و نادى فى جتأبى بغداد فى اصحاب ابى محمد البربهارى الحنابله الا يجتمع منهم اثنان و لا ينتظرو فى مذهبهم و لا يصلى منهم ام ال اذا جهر ببسم اله الرحمن الرحمين فى صلاه الصبح و العشا ين، لم يفد فيهم وزاد شرهم و فتنهم و استظرن باعكلمانيا ذين كانو ياون المساجد وكانو اذا مربهم شافعى المذهب الكفرو به غلعميان، يضربونه بهصيههم حتى يكاد يموت. فخرج توقيع الراضى بما يقرأ على الحنابلهف ينكر عليهم فعلهم و يوبخهم باعتقاد التشبيه و غيره، منه تاره انكم تزعمون ان صورته و جوهكم القبيحه السمجه على مثال رب العلالمين و هيئتكم الرذهل على هيئته و تذكروا الكف و الاصابع و الرجلين و النعلين و المذهبين و اشعر القطط و اصعود الى اسما و انزول اليالدينيا تبارك اله عما يقول الظالمون الجاحدون علوغا كبيرا، ثم طعنكم على يار الاثم و نسبتمك شيعه ال محمد لاي الكفر و الضلال ثم استدعاوكم المسلمين الى الدين بالبعدع الظاهره و المذاب البجاره التى لا يشهد بها القرآن و انكاركم زياره قبور الائه و تشنيككم على زوارها بالابتدع و انك مع ذلك تجتموعه على زياره قبر رجل من ع الوعام ليس بذى شرف و لا نسبت و لا سبب برسول الله و تامورن بزياره و تدعو له معجزات الانبيا و كرامات الواليا، فلعن الل شينيعك على زوارها بالابتداع و ان مع ذلك تجتمعو على زياره قبر رجل من عالوعوام ليس بذى شرف و لا نسبت و لا سبب برسول الله و تامورن بزارته و تدهو لهمعزجفال النبيا و كرامات الاوليا ، لعن الله شيطاننا زين الك هذه المنكرات و ما اغواه و امير المونين يقسمبالله قسما جهدا اليه يرمزه الوفا به لئت لم تنتهو عن مذموم مذهبك و عوج طريزقتم ليوسعنك ضربا و ترشريا وقتلا تبديا و ليستعملن اسيف فى رقابكم و انالر فى منازلك و محالكف ف همان، ص175-176، حادثى 323 هجرى قمرى فذكر فته الحنابله ببغداد.

[5] و فى هذه السنه و قعت التفهن بن الفقها الشاعيه و الحنابله ببغداد و مقدم الحنابله ابوعلى بن الفرا و ابن التميمى و تبعهم من العامه الجم الغفير و انكرو الجهر ببسم اله الرحمن الرحيم و منعو من التجيع فى الذان و القنوت فى افجر و صول الى ديوان الخفيه و لم ينقل حال و اتى الحنابله الى مسجد بباس الشيع، نهو امامه عن الجهر بلبسملف، فاخرج مصحفا و قال ، ازيول ها من امصحف حتى لا تلوها، همان، ج6ف ص182، حوادث 447، هجرى قمرى، ذكر عد حوادث.

[6] فى هذه السنه ورد بغداد ابونصر ابن استلاذ ابى القاسم القشيري حاجا و لس ف المدرسه النظاميه يعظ الناس وفى رباط شيخ اشيو و جرى ل مع النبلة فتنف لانه تكلم على مذهب الشعري و نصره و كثر اتباعه و المتعصبون له وقصد خصمه من النابه و ن تبعهم سوق المدرسهه الظايه و قتلو جماعه، همان، ص272ت، حوادث469 هجرى قمرى، ذكر عده حوادث.

[7] ورد الى بداد هذه اللنسه ذالشريف ابناالقاسم الكبرى المغربى الواعظ و كان اشعري المذهب و كان قد قصد نظام الملكف فاب و مال اليه و سره الى بغداد و اجرى عليه الجرايو الوافره، فوعظ بالمدرسه النظاميه و كان يذكر الحابله يهيههم يقول « و ا كف سلمان و لكن الشياطين كفرو، و الله ما كفر و لكن اصحابه كفرو، ثم انه قصد يوما دارقاضى القضاة ابى عبدالله الدامغانى بنهر القلائين، فجرى بين بعض اصحابه و بين قوم من الحنابلهف مشارجه اذت الى الفته وكر جمعه فكبس دور بنى الفرا واخادكتنهم و اخذ منها كتاب اصا تالبى يعلى، فكا يقار بين يديه و هو جالس على الرسى للوعظ فيشنع به عليمجرى له معهو صوما فتن ولقب البرى من الديوان بلعم النسفه هان ص285، حوادث 475 هجرى قمرى، ذكر لالفته ببغداد بين الشافعيه و الحنابله.

[8] وفى هذعه السنه جمادى الخر وثب المالحدعه الاسماعيليه على نظاما الملك مسعود بن على وزيرخوارمز شاه تكش

، ففقتلوه وکت صالحا، کثیر الخیر، حسن السیرھف اشافعی المذهب. بنیللشافعیہ بمر و جامع مشرفا علی جاع الحنفیہف فتعصب شیخ الاسلام و هو مقد الحنابلہ بہ، قدیم الریاسہ وجمع الاوباش فارقه فانقد حوارزمہ اشہ، فاحضر شیخ الاسلام و جماعہ ممن شسعٰ فی ذلک فاغرھم ما لا کثیرا، ہمان، ج7، ص444 ف حوادث 596 ہجری قمری ذکر عدہ حوادث.

[9] قال محمد بن عبدالوہاب ، ان اللہ سبحانہ و تعالیٰ قد صب غضبہ علی العیینہ و اھلا افناھم تطھیرا لذنوبھم و غضبا علی ما قالہ حاکم العیینہ عثمان ب نمعمر، فقد قیل لاکم العیینہ بان الجراد ات الی بلادنا و نن نخشی ان یاکل الجراد زراعتنا، فاجاب حاک العیینہ قائلا ساخرا من اجراد، سنخرج علی الجارد دجاجنا فتاکلہ و بهذا غضب اللہ بسخانہ لسخریہ الحاکم بالجراد ای من آیات اللہ لا یجور السخریہ منها، جعفر سبخانی، بحوث فی امل و النحل، ج4، ص552-553، صدام بین ابن عبداللہوہاب و امیر العیینہ.

[10] ابن بشر نجدی حنبلی عنوان الجد فی تاریخ النجد ج1، ص105، برای آگاهی بیشتر بہ تاریخ نجد ، ص184-186، حوادث 1208، ہری قمری، نوشتہ ابن غان، مراجعہ شود.

[11] وی در آن زمان امارت مکہ مکرمہ را بہ عہدہ داشت.

[12] جعفر سبخانی، بحثو لی المل و النلح، ج4، ص590،، استیلا الوتھابیین علی مکہ ی سہ 1218، بہ نقل از جبران شامیہ در آل سعود ماصیہم و مستقبلہم، ص64

[13] محمد ادیب غالب، من اخبرا الحجاز ونجتا ی تاریخ الجبرتی، 93

[14] ابن بشر نجدی حنبلی، عنوان المجد فی تاریخ نجد، ج1، ص174، حوات 1220 ہجری قمری.

[15] جعفر سبخانی، بحوث فی امل و انحل، ج4، ص595، محاصرہ کہ و المدینہ سنہ، 1220 بہ نقل از زینی دحلان، شافعی در فتنہ الوہابیہ، ص72.

[16] جعفر سبخانی، بحثو اف امل و النحل، ج4، ص622-623، اکتساح قبو البقیع من قبل الوہابی، بہ نقل از علی الوردی در لمحات التجماعیہ من تاریخ العراق الحدیث.

[17] جعفر سبخانی، بحثو فی امل و انحل، ج4، ص623 و 625، اکتساح قبو البقیع من قبل الوہابیین.

[18] پایگاہ اطلاع رساین مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

[19] سید محسم امی حسینی عاملی، کش الریاب فقی اتباع محمد بن عبدالوہاب، ص55، ص187، 324.

[20] شریف غالب در آ زمان امر طائف بود./

[21] جعفر سبخانی، بحثو فی المل و النحل، ج4، ص589، الوہابیین واحلتا الطائف ب نقل از محمد ادیب غالب، من اخبار الحجاز و نجد فی تاری خ الحریتی، ص3.

[22] فدخلو البلد فی ذی القعہ سنہ 1217 و قتلوا النواس قتلا عاما حتی الاطفال و کانوا یذبھون الط الرضیع علی صدر امہ و کان جماع ہ من اهل الطائف خرجو قبل ذلک ہاربین فادرگتھم الخیل و قتلت اکرھم و فتشو علی من واری فی البیوت و قتلوه و قتل من فی المسجاد و ہم فی الصلاہ .../ وصرات الاعراب تدخل کل یوم الی اطائف و تنل المنھوبات الیالخارج حتی صار کامثال الجبال، فاعطو خمسھا للامیر و اتسو الاقی و نشبرو المصحاف کتب الحدیق و القہ و الحو فی الازقہ ، سید محسن امین حسینی عاملی، کشف الارتباب فی اتباع محمد بن عبدالوہاب، ج18و19، دول الوہابیین الطا عنوہ سنہ 1217 و فطانتھم فیھا.

[23] ومن اعظم قابا الوہابیہ اتباع ابن عبدالوہاب فتهل الناس حین دخلو الطائف قتلا عاما حی استاصلوا الکبیر الغیر و اودوا بامامور و الامیسر و الشریف و الوضعی و صاروا یذبھون علی صد الام طفلھا الرضیع و جودع جماع یتدرسو القرآن فقتولھم ع ؛آرخیہم و لما بادوغا من فی البیوت

جميع خرجو الى الحواين والمساجد و قتلو الرجل السمج و وراكع او ساجد .. و نهبو الاموال و النقود الاثاث وطر الكتب فى البطاح و فى الازقه و السواق تعصف بها الرياح و فى كثير من المصحف من نسج البخارى و مسلم و بقه كتب الحديق و القيه، جميل صدوقى زهاوى الفجر الصادق فى رد على منكرى اتول و الكرامات والخوارقيا ص22.

[24] ففى اوائل هذه السه هج الوهيونى اللار و خاصرو الطاف ... ثم خلوها عنوه و اعملو فى اهلا السيف، قتلو الرجال ، ا و اسنا و الاطلاع حتى قتلو من ما يقرب من القين بينهم العملا و الصلحا و اعملو فيها النهب وعلو فيها من الفطاع ما تقشعر له الابدان، تتفطر القلوب نشر ما عموله فى المره الاولى، و ان السالطن ابن سعود لما سئل عنا لم ينكر و قعوه لكنه اعتذ بما وقع من خالد بن اليو يوم تح فكه وقل النبى ف اللهم انى ابا اليك مما صنع خالد، سيد محسن اميم سيني عاملى كشف الارتياح ابتاع محمد بن عبدالوهاب، ص55.

[25] على اغر فقيهى، وهاييين ، ص160 و 172

[26] شيع جعفر آل محبوبه مضى النجف، و. حاضرها، ج1، ص234 و 235.

[27] همان.

[28] حجه الاسلام و المسلمین آقا سيد عبدالله اصفهانی در کتاب « لولو الصدف فى تاريخ النجف، به يك از كرامات حضرت عى اشساره كرده و اين گوه مى نويسد: جناب فاضل معاصر در يتيمه نقل كن كه چون آنجماعت محاصره كردن بلده شريف را، اهل بلد شمغو بانداتن تتنگ شدند و آنها نیز چندتنگ زدند و پنج نفر از اهل نجف كشته شدند. و مردم قصه قتل و نهب كربلاى معلای را داشتن لذا نهايت خوف را داشتند و منهای همت را ردند. حتى زنها و عجاز بيرو آمدن و اطرف آن قبه منوره نهايت تضرع و استغاثة را كردند. ناگاه يکى از آنها ديد شخصى سبز پوش عمام سبزی بر سر داشت، از حرم محضرتم بيور آمد و در میان آن قوم رفت گه نگاگاه فریاد و غوفامیانه آنه پیدا ش و فریاد آنها بلند شد. میگفتند: پدر آنها على آمد. چون هوا روشن شد دیدن احدی از آن قوم در آن صحرا نیست بجز قتلاى عیدیده كه بغضی از آنها از فرق تا دبر دو نیم شده اند و بعضی از كمر نصف شده اند و بسيار از وال و اثقال خود را گذاشتندو فرار كردند. آقا سيد عبدالله اصفای، لولو الصدف فى تاريخ النجف، ص76

[29] و اشال البال بما نابنا من الخارجى الملعو نفى ارض1 نجد، فانه اخترج ما اترع فى الیدن و اباح دما المسلمین و تخريب قبور الاله المعصومین عليهم صلوات رب العلامى، افاز سنه 1216 سته عشر على مشهد الحسين و قتل ارجال و الطفال و اذ الاموال و عاث فى الحضره المقدسه فخر بنیانها و ده ارکانها، ثم انه بعد ذلك استولى على مكه الشمشره والمدینه المنوره و غفل بالقى وما فعل، لكنه لم يهدم قبه النبى وفى السنه الحاديه و العشریه ف اللی التاسعه من شهر صفر قبل الصبح بساعه هج علينا فى النجف الشر ونح فى غله حتى ان بض اصحابه مصعدو السو گادو ا ياخذن البلد، فظهرت لامير المومنين عجزات الظاره و الكرامت البار، قت من جيشه كثير و رجع خائبا، سيد جخواب عاملی، متاح الكرامه فى شر قواعد العلام، حج5، ص512، پایان صلح.

[30] وفيها سيرا سعود باجيوش ابمنصوره و الخيل الجياد السمومه المشهوره من جميع نجد و نواحيها و بواديها و قصد جبه الشمال و نازل المشهد المعروف فى العرق و فرق السلمين عليه من حكل جبهه و امرهم ان يتسورا الجدار على اهلهف فلما ربو امن فاا دونه خندق عريض عميق، لعم يقدورا على الوصل اليه وجرى بينه و بينهم مناوشه و قتال و رمى من السور و البروج، ابن بشر نجدى حنبلى عوان المجد فى تاريخ نجد ج1، ص174، حوادث 1220 هجرى قمرى.

[31] و فى هذه النسبه ، سه 1223 ، جا الخارجى الذين اسمع سعوى جمادى الاهر همن نجد

بما يقرب من عشرين الف مقاتل او ازيد، فجاءتنا النذر بانه يرد ان يدهمنا فى انجف الشف غفله، تحذنا منه و خجنا جميعا الى سور ابلد فنانا ليلا، فرانا على خذر فيد احنا بلاسو بلبندادق تو الاطوا، مغمضى الياحنه، فراهم كذل، ثم مضى الى مشهد السيج على حسين غفله نهارا، فحاصرهم حصارا شديافيفثبتوا له خلف السور و قتل منهم قو لتو من ع و جع خابا ثم عاث فى العراق ، فقتل من قتل و بقينا مده تاركين البحث و النظر على خوف منه و وجل، لا حول و لا قوه الا باله العلى العظيم، سيد محمد جواد حسين عاملى مفتاح الكرامه، ج6 ف ص434، آخر كتاب شفعه.

[32] وفيها سار سعود بالجيو المنصروه و الخيل العتاق المشهوره م جميع اضر نجد و بايدها الجنوب و الحجار وتهماه و غير ذلك و قدص اضر كربلا و نازل اهل بلد الحسين و ذلك فى ذى العقده، فحشد عليها المسلمو و تسورا جدرانها ودخلوها عنه وقتل غالب الها ف الاصواق البيوت وهدموا القبه الموضوعه بزعه من اعتقد فيها على قبر الحسين واخذو ما فى القبه و ماخولها و اخذو النصبيه فالتى وضعها على افقبر وكانت مرصوفه بازمرد و الياقوت الوجاهر و اخذو جميع ما وجودا فى البلد من انواع الاموال و السالنج و اللسا و الفرش و الذهب و الفشه و المصا القمين و غى ذلك و ما يز عنه الحصور لم يلبثو فيا الا ضحو و رجوا منها قبر الهظر بجميع تلاك الاموال وقتل من اهلها قريب الفى رجل ابن بشر نجدى، عنوان المجد فى ترايخ نجد، ج÷ ف ص154، حوادث 116 هجرى قمرى.

[33] وقد جرت العاده ان يحتفل اشيعه كل عام بعيد الغدير فى يوم الغدى فى النجف الاشمر، فرج اهالى كربلا، من بلدهتهم ،فانتهاز الوهابيون فرصه غيابهم عن البلده و اقتحموها و هو حوالى اثنى عشر الف جندى و لم يكن فى البلده الا عدد قليل من الرجال المسشتغضت قلته الوهابيون و لم يبقو الحدا منهم حيا و يقدر عدد الصحايا حلال يوم واحد بثلاثه آلاف و اما السل فكان غوق الوصف ويقال ان ممائتى بيعى حملت فوق طاقاتا باموهبا الثمينهف فقد استلى و=الوهابيون على ك المنوز و الاموال وجودر القبه من صفائح انحال المطليه بلاذهب، جعر سبحانى ، بحوث فى املل و النحل ج4، ص587-588 ، تدمير كربلا و التصفيه الجسديه، به نقل از دك منيز علجالى در تارى البلاد العرييه @ص126-127، طبق بعضى از گزارش ها، وهابى ها پنج هزارن فر را كشت و پانزده هزار نفر ا مجروح كردند. جعفر الخليلى، موسوعه العتبا المقدسه ، ج8، ص273، كربلا فى المراجع الغريب، هجوم الوهابيين.

[34] اقتحم سعود بجيش ابيه كربلا و بد حصار قصير اعمل اسيف قى رقاب اهلا ودمر ضريح الحسين و نهب المجوهرات التبى كانت تغطى الضيح و جمع كل شى ذا قيمه فى الدمينيه، والحق ان يقال ان عمله هذا هذ العلم كله فضا عن الشيعهف قد كان منعظفا ترياخيا للثوره على الوهابيى، كا ايد فيما بعد ازلى عواق وخيمه على سلطه ذه الاماره الاله، شى جعفر سبحانى، بحثو فى امل و انحل، ج4، ص588، تدمير كربلا و تصفيه الجسيدهى.

[35] همان، ص273.

[36] و اشتغال البال بما نابنا من الخارجى الملعون فثى ارض1 نجد، فانه اخترع ما اخترع فى الدين و با ح دما المسلمين و تخريب قبور الائم المعصومين عليهم الصلوات ر العلالمين، فاغار سنه1216 سته عشر على مشهد الحسين و قتل الرجال و الطفال و اخذ الاموال و عاث فى الح1ره المقدسه، فخر ببنائنها و دهم اركانها، سيدع جوا عاملى، مفتحا الركاه فى شردح قواعد العلامه، ج5، ص512، پيپايان بحث صلح.

[37] محمد بن بعود كوفى، نزله الغرى فى تاريخ النجف الغرى السرى:ص52.

[38] ميرزا ابوطالب اصفهانى، مسير طالبيف ص408.

[39] و قد احاطت الاعربا من عنيزه القائلين بماقله الوهاى الخارجى بانجف الاشرف و مشهد

الحسين و قد قطعوا الطرف ونهبوا زوار الحسين بعد منصرفهم من زياره نصف شعبان و قتلوا منهم جما غفير و احكث القلى من العجلم و ربما قيل انهم مائه م حمسون و قيل اقل و بقى جمله من زوار العرب فى الحله ما قدروا ان ياتوا الى النجف الشرف⁶، بعضهم صام فى الحسه و بعشم مضى الى الحسكه و نحن الان كانا فى حصار و الاعراب الى الآن ما انصرفوا و هم من الكوفه الى مشهد الحسين بفرسخين واو كذاكثر على ما قيل و الحزاعل متخاذلن مختلفون كما ان آل بعيجو آل جشعم يتقالو كما ان والى بغداد جائه و ال آخر و انه مغزول و هما آلان يتقاتلان و قت د غمت علينا اخبارهما لانقطاع الطرف و بذلك طمعت عنزه فى الاقامه فى هذه الطرف، سيد جواد عاملى، مفتاح الگرمه⁸، فى رشرح قواعد العلماء⁸، ج7، ص653، پايان بحث و كاله.

[40] وفى هذه اللسنه كانت البصره وهدم قصر الدرر يهميه و مشرب اهل الزبير و قتل من كان فيه ... ثم نزل سعود على الجامع المعروف قرب الزبى، ففنهضت جموع المسلمين الى البصره، فهموا جنوبها و نهجوها و قتلوا من اهلها قتلى كثيره و احتصروا اهلها فى وسط الحله، ثم رجعب تلك الجموع و حاصروا اهل الزبير هدموا جميع القبلا و المشهاد التبى خارج سود البلد وضعت على القبور و قبله اسحن و قبهطلجه ولم يبقوا لها اثراف ثم انها اعيدت قبله اطلح ون الحسن و بعدهم الدرعيه، ثم ان سعودا امير على المسلمين ان يحشدوا على قصر الدرريهميه، قهمدوه و قتلواهم، فلما كاهنوقت غروب الشمس امر سعود منايه يندى ان يثور كل رجل من المسلمين بندقه، فثوروا دفعه واحده، قال لى رجل من اهل الزبير، ولما ثارت البنادق شب النار فى الارض و الجو و الظلمت السما و رجفع الارض باهلها و انزعج اهل الزبير ابناغجعا عظيما و سعد السنه فى روى السطوح و قوع فيهم افضجيج و ايسقط بغض الحوامل، بابن بشر ئنجدى، عنوان المجد فى تاريخ نجد، ج1، ص167، حوادث 1218 هجرى قمرى.

[41] سيد محسن امين حسيني املى، كشف الارتبىا فى اتباع محمد بن عبدالوهاب، ص25-26.

[42] برخى حمله به حوران را در سال 1225 هجرى قمرى ذكر كرده اند.

[43] عن تاريخ الامير حيدر الشهابى انه فى هذه السنه 1225 هجم عبدالله بن سعود الخوابى على بلاد حوران، فنهب الاموال و احرق الغلال وقتل الانفس البريئه و سبى السنه و قتل الاطفال ه م المناز و عاث فى الارض فسادات حتى قيل انه اتلف فى تلك البلاد ما قيمته ثلاثه آلاف الف درهم، سيد محسن امين حسيني عاملى، كشف الارتبىا فى اتباع محمد بن عبدالوهاب، ص35-36، هجوم الوهابيين على سوريه سنه 1225، ه نقل از شهابى در لمع الشهاب فى سره محمد بن عبدالوهاب.

[44] از مناطق و آبادهاى تابع مدينه منوره است. معجم البلدان، ج4، ص252.

[45] فى سنه 1340 غزا الوهابيون عرب الفرع من قبيله حرب فى عقر دارهم فى الحجاز و نهبوا المواشى فجا النذير الى اهل الفرع، فلحقوهم و استخلصوا نمه ما نهبوه قولت فيهم و غنموا جميع ما مهجم و لو منهزمين، سيد مسحن امين سحبنى عاملى، كشف الارتبىا فى اتباع محمد بن عبدالوهاب، ص53، هجوم الوهابيين فى الحجاز على عرب الفرع من قبيله حرب.

[46] فى هذه اللسنه التقى الوهابيون ببالاحاج اليمانى و هو اعزل من السالح و جميع آلات الدفاع فسايروهم فى الطريق و اعطوه الامان، ثم عدرو بهم، فلما و صلوا الى صفح جبل مشى الوهابيون فى سفح الجبل وال يمانيون تحتهم فعطفوا على الميانيين و اطلقو عليهم الرصاص حتى لهم وعن بكره ابيهم و كانوا الف انسان ولم يسلم منهم غير رجلين هربا واخبرا بالحال، همان، ص53-54، قتل الوهابيين الجاج المياني سنه 1341.

[47] وفيها هجم جماع من الوهابيو فجاه على اعراب شرى الدردن المنييف فهجموا على ام العمد و جوارها ، فقتلوا و نهبوا و ما لبثوا ان ارتدوا مدحورين ماسرورين، لان الطيارات و الدبابات

الانكليزيه الشكتر فى تلاهم مع ع ب شسرقى الردن و انجلت المعركه عن قتلثلمائه من الوهابيى و اسر جماعه كثيره منهم وقتل مائتين و خمسين من اهل شرقى الدردن، ثم اطلق اسرى الخوابيين بامر من الننكليز و اوصلو انلى امنهم وفى ذهواه السنه هى سنه 1346 جءن الاخبار بماجمه الوهابيين شرقى الردن و وصلوهم الى معان بنحو من ثلاثين الفا و انهم اعلانوا الجهاد، همان، ص56، ماجمه الوهابيين شرقى الردن سنه 1343.

WWW.SALAF.BLOGFA.COM [48]

[49] حسيني قزوینی، وهابی ا از منط عقل و شرع، ص111 به نق از روزنامه جمهوری اسلامی 16 آذر 1366 شمسی، هاطرات سيد رضا موسیوی کاظمی محمدی از نایین.

[50] همان، ص113.

[51] همان.

[52] همان، ص114.

[53] همان.

[54] همان.

[55] من صلی صلاتنا و استقل قبلتنا و ا لذبیحنا، فذلک المسلم الذین له ذمه الله ذمه ورسول هف فلا تخفرو الله فی ذمته، بخاری، الجامع الصحیح معروف به صحیح بخاری، ج1 ف81، کتاب الصلاه، باب فل التسقل القله.

[56] امرت ان قاتل اسنا حتى یقولا لا اله الا الله، فاذا قاولها وصلوا صلانا وسالبلو قبلتنا و ذبحوا ذبیحنا فقد حرمت علینا دماهم و اموالهم الا بحقها و حسابهم علی الله و من شهد ان لا اله الا الله و استقبل قبلتنا و صلی صلاتنا و اكل ذبیحنا فهو المسلم، له ما للمسلم و علیه ما علی المسلم، همان.

[57] لا تقلتہ فان قتلته فان بمنزلک قلا ن قتلته وانک بمنزله قبل ان یقول کلمه التبی قال، سلم بن حجاج نیشابوری، لاجمع الصحیح معروف به صحیح مسلم، ج1 ف43، کتاب الیامن، باب تحریم قتل الکافر بعد ان قال لا اله الا الله.

[58] بعثنا رسول الله فی سریفه فصبحنا الحرقات من جهینه، فادرکت رجلا، فغقال لا اله الا الله، فطنعته، فوع فی نفسی من ذلک، فذکرته للنبی، فقال رسول الله اقال لا اله الا الله و قتلته، قال قلت، یا رسول الله، انما قالهما خوفا من السالح، فقال فلا شققت عن قلبه حتى تعلم قالها ام لا، ففمازلا یکررها علی ختی تمنیت انی اسلمت یومذر، همان.

[59] وی در آن زمان حاکم شقرا بود.

[60] برخی تعداد کشته شده ای وهاییان را حدود چهرده هزار نفر ذکر کرده اند. سه تن از برایدانر محمد بن عبدالوهاب نیز در هیمن جنگ کشته شدند.

[61] ثم استولی علی اشقرا و کان بها عبدالله بن سعود، فخرج ها ربا الی الدریع لیلا ... و حصل له معهم وقائع الی ان ساتولی علی الدرعیه و کسر الوهابیه و قبض علی امیر هم عبدالله بن عسود و کثرمن اقربائه و عضیریته و اخرج الدریه ولی اول سنه 123

4 ارسل ابراهیم با شا عبدالله بن سعود کثرا منمن قبض علیهم الی مصر، فذخلها و هو راکب علی هجین وامامه العسکر وخرج الناس للتفرج ... ثم ارسله فی تاسع عض المحرم مع اباعه مخفورا الی اسلامبول، فطافو به البلده و قلوته عند باب همایون و قتلوا ابتاعه فی نواجخ متفرق9ه، سید مسن ایمن حسینی عاملی، کشف الارتیاب فی ابتاع محد بن عبدالوهاب، ص46-47، مداومه محمد علی باشا علی حرب الوهابیه.

[62] محمد ادیب غالی، من اخبار الجاز، و نجد فی تاریخ الجبروتی، ص636.